عنوان:

مروری بر کتاب دغدغه های فرهنگی

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | m-f-25 |
| رده | مهارتی/فرهنگی/مباحث فرهنگی/مبانی و اصول/فرهنگ از نگاه امامین انقلاب |
| برچسب | مطالبات، فرهنگی، امام خامنه ای، دغدغه های فرهنگی |
| توضیحات | گزیده ای از دیدگاه های امام خامنه ای در باب فرهنگ و کار فرهنگی |

هدايت يك انسان، ارزش و قيمت هدايت همه بشريت را دارد

اگر کسی خیال کند که جبهه دشمن با هم تشکل دارند و آدم های پیگیری هستند، به شدت در اشتباه است. شاید معدودی باشند که آن جماعت را به قدر من شناخته باشند. آن جماعت را من میشناسم. آدم هایی بی عرضه، هستند و خصوصیتشان اساساً ضعف و ترس است.

# دعواهای خطی

یک عامل دیگر از عوامل هضم جبهه ی خودی و سایش آن، کشیده شدن پای عناصر این جبهه به دعواهای خطی است که در برهه ای از زمان، در این کشور واقعاً فاجعه آفرید. ناگهان بین سیاسیون، نمایندگان مجلس و برخی دیگر از مسئولین، دعواهایی بروز کرد که اصل آن دعواها موجّه نبود. هر دو خط، بلاشک، در حدی جرم داشتند. هردو خط، هم آدم های بسیار خوب داشتند، هم آدم های ناباب داشتند، هم آدم های متوسط داشتند

# دنیای فریبنده

عامل دیگر که امتحان بسیار بزرگی بر سر راه همه است، عامل دنیا و جلوه های فریبنده ی آن است. در جبهه ی خودی، برخورداری مادی کم و امکانات، ناچیز بود. جلوه های دنیا پر جاذبه است و چشم ها و دل ها را میفریبد؛ چنان که بعضی از کسان را فریفت. ماهی وقتی به طمع خوردن کرم، قلاب را فرو داد، دیگر کار تمام شده است

# نهج البلاغه

بخش های مهم نهج البلاغه بخش زهد و بی رغبتی به دنیا و بی اعتنایی به مظاهر فریبنده و جلوه گر دنیاست. این یکی از مهم ترین بخش های نهج البلاغه است، چه در کلمات قصار، چه در خطبه ها و چه در مکاتیب و نامه ها، بخش های زیادی مربوط میشود به بی اعتنایی و زهد نسبت به دنیا. سید رضی میگوید: وقتیکه علی علیه السلام درباره ی زهد در دنیا و بی رغبتی و بی اعتنایی به این تجملات و زیورها و غرورها و فریب ها و انگیزه ها و جاذبه های دنیا حرف میزند جوری حرف میزند که شما تصور میکنید که گوینده ی این کلمات جز زهد و جز بی رغبتی به دنیا هیچ کاری و شیوه ای و منشی در زندگی ندارد

امیرالمومنین که درباره ی دنیا و ترک دنیا و زهد و این حرف ها بحث میفرماید، خود او جزء پرکارترین و پرتحرک ترین و در میدان ترین افراد است. پس زهد به معنای ترک فعالیت و بریدن از جامعه و مردم نیست. حالاپس به چه معناست؟ به معنای غرق نشدن در شهوت ها و هوس های دنیا، به معنای جدی نگرفتن لذت های دنیوی است، به معنای قربانی نکردن هدف های انقلابی و اصیل و سازنده ی اسلام در پیش پای قدرت طلبیها و انگیزه ها و خودخواهیها و دنیاطلبیها.

# تکالب بر دنیا

امروز آن چیزی هم که باید خیلی از آن ترسید، «تکالب بر دنیا»ست، تکالب بر حطام دنیاست. «تکالب» تعبیر خیلی پرمغزی است. تکالب یعنی مثل دو سگ بر سر یک جیفه به جان هم افتادن ! این تکالب است. سعی کنیم هر چه ممکن است این جیفه ها از محیط زندگی ما دور شود، کنار برود. بالاخره جوانان دیروز که مبارزه میکردند و فعال بودند، خوب بودند، بااخلاص و بانشاط، پابرهنه در میدان بودند. حالا ما به افراد مسن، پیرمرد و با محاسن سفید تبدیل و وارد نسل دیگری شده ایم. حالا فرزندان ما به میدان آمده اند. باید سعی کنیم آنها مثل دیروز ما باشند. باید سعی کنیم آنها هم به دنیا با این چشم نگاه کنند .

# کدام دنیا!!؟

«دنیا» هم که میگویم، فقط پول و خانه و خودرو شخصی نیست. چیزهای دیگر هم هست. اسم درکردن، تعریف شنیدن، ستایش شنیدن، تمتعات ناروا و نادرست جنسی و همه امکاناتی که نفس انسان آنهارامیخواهد؛دنیاوجلوه های آن است. چنین وسوسه هایی هم درعده ای پدیدآمد. البته عده زیادی واقعا ایستادند و مردانه مقاومت کردند. ولی بعضی از افراد هم به ندرت در مقابل این وسوسه ها و جلوه های دنیوی، پایشان سست شد

# سایش شوخی ندارد

قدرت مقابله با سایش را در خودتان ایجاد کنید. سایش شوخی ندارد؛ انسان ساییده میشود! همان چکش یا پتکی که شما روی سر آهن می کوبید و آنرا به شکل های مختلف درمیاورید، بعد از مدتی که نگاه کنید، میبینید ته آن ساییده شده است. یعنی با این نیروی فعال قدرتمند، بالاخره تأثیر گرفته؛ یعنی آن، روی این اثر گذاشته است. به فکر این باشید. مقوله ای که شما در آن واردید، از مقوله های خطرناک است.

# ضعف و ترس

و اما چند جمله هم درباره ی جبهه ی دشمن، یعنی همان جبهه ی مقابل بگویم. اگر کسی خیال کند که آنها با هم تشکل دارند و آدم های پیگیری هستند، به شدت در اشتباه است. شاید در جمع شما معدودی باشند که آن جماعت را به قدر من شناخته باشند. آن جماعت را من میشناسم. آدم هایی بی عرضه، بی پیگیری، بی اراده و اهل نقد و اهل دنیا هستند؛ دنیای در مقابل آخرت. خصوصیت دنیا، نقد بودن است دیگر! و خصوصیتشان اساساً ضعف و ترس است.

# تاکتیک

تا عنصر ضعیفی پیدا شود، سعی در جذب و کشاندن او به طرف خودشان دارند. اما تا یکی از عناصر ما را اهل استقامت مییابند، به طور هماهنگ شروع به کوبیدن وی میکنند. تا یک نقطه را نقطه ی خطرناکی برای خودشان، یا نقطه ی امیدی برای آینده ی جمهوری اسلامی میدانند، برای تصرف آن لشکرکشی میکنند. جبهه ی دشمن به چنین کارهایی مشغول است.

# از تهاجم فرهنگی نگرانم

خدای متعال نگذاشته که بعضی بفهمند «و من لم یجعل الله له نوراً فما له من نور»عده ای هم حاضر نیستند که به این معنا اعتراف کنند. اما بنده میبینم و این تهاجم را در مقابل چشم مشاهده میکنم. وقتی هم تبیین میشود، هرکس میشنود، میبیند که درست است. بعضی هم بدون اینکه ما تبیین کنیم، خودشان مثل ما مشاهده میکنند. اصل قضیه که بنده از آن نگرانم، همین تهاجم فرهنگی است .

# اولین دشمن ما "خواب" است

از امیرالمؤمنین بیاموزیم که فرمود «والله لا اکون کالضّبع تنام علی طول اللّدم»،

من مثل آن حیوان خواب آلوده نیستم، مثل آن حیوان سنگین خواب نیستم که با لالایی دشمن که به قصد شکار من و صید من انجام میگیرد به خواب بروم.

نباید به خواب بروید، فریب خوردن هم امروز جرم است، دشمن را نشناختن و دوستانه و صادقانه و مخلصانه کاری را کردن که دشمن میکند هم جرم است. اولین دشمنی که بر ما میتازد، خواب و خواب آلودگی است

# به بعضی التماس می کنیم

کسیکه زبان باز و دل روشن و مغز فعال دارد، میتواند مقابل تهاجم فرهنگی را بگیرد. با چه؟ با سنگر فرهنگی، با حصار فرهنگی و با سلاح دوربرد فرهنگی. ابزار فرهنگی لازم است. این است که ما به کسانی که اهل کار فرهنگی اند دائم میگوییم، به بعضی تکرار میکنیم، به بعضی التماس میکنیم، بعضی رادراینجا جمع میکنیم و به بعضی پیغام میدهیم که آقا! کار فرهنگی بکنید. جواب کار فرهنگی باطل، کار فرهنگی حق است

# تهاجم یا تبادل فرهنگی

این از آن جاهایی است که نقطه ی حمله ی دشمن است . این قبیل کارها که دشمن میکند تهاجم اوست این نکته را عرض کنیم که تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است تبادل فرهنگی لازم است .هیچ ملتی بی نیاز نیست از اینکه در همه ی زمینه ها از جمله در زمینه ی مسائل فرهنگی آن مجموعه مسائلی که به آنها نام فرهنگ داده می شود از ملت های دیگر بیاموزد همیشه تاریخ نیز همین بوده است هدف تبادل فرهنگي ، بارور كردن فرهنگ ملي و كامل كردن آن است اما هدف تهاجم فرهنگي ، ريشه كن كردن فرهنگ ملي و از بين بردن آن است .

در تعبير اول از تهاجم فرهنگي ، دشمن بعد از ابزارهاي نظامي ، سياسي و اقتصادي به ابزارهاي فرهنگي پناه آورده است .در تعبير دوم از تهاجم فرهنگي ، دشمن فرهنگ انقلابي حاكم بر ذهنيت جامعه را مورد هجوم قرار داده است . آنها به پايه هاي فرهنگي جامعه حمله مي كنند تا آنها را در دل ها سست كنند . روحیه ی جهاد را بکوبد و سعی کند که مجاهد فی سبیل الله را از جهاد گذشته ی خود پشیمان کند .

تهاجم فرهنگي مشخصا از دوران رضا خان شروع شد .

با انقلاب اسلامي ، تهاجم فرهنگي متوقف شد و مجددا آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خلقيات اسلامي كه در خميرمايه مردم ما بود ، زنده شد .بعد از جنگ ، جبهه جديد تهاجم فرهنگي به شكل جدي مشغول كار شد . دشمنان فهميدند بايد عقبه ما كه عبارت بود از اخلاق اسلامي ، توكل به خدا و علاقه به اسلام را بمباران كنند .يكي از كارهاي دشمن اين بود كه جريان ادب و هنر و فرهنگ انقلاب را تحقير و مجموعه هاي مومن را منزوي كند . در مقابل تهاجم دشمن بايد موضعي هجومي داشت و نه دفاعي ..عمده نظر اينها سست كردن ايمانها ، كدر كردن اميدها ، متشتت كردن جبهه ها و جذب كردن سرمايه هاست.

# به هدف نخواهید رسید

می گوید راه مستقیم جاده ای است که در قدم به قدم آن، پنجره ها و در ها از دو طرف باز است، و انسان را همین طور تشویق میکنند به اینکه از این طرف برویم، از آن طرف برویم. اما در مقابل این در ها و پنجره ها، حجاب و پرده ی حرمات الله قرار داده شده؛ که میگوید این حرمات الهی را ندرید و نروید، وا لّا از صراط مستقیم دور خواهید شد. البته اگر پرده را پس زدید و به آن طرف رفتید، رفته اید، اما به هدف نخواهید رسید. هدف فقط از این جاده ی مستقیم پیموده خواهد شد، و لاغیر.

# توقع انقلاب از جبهه فرهنگي

آرايش نيروهاي فرهنگي بايستي يك آرايش ديني ، اسلامي و انقلابي باشد.

محقق ، هنرمند و نويسنده بايد در فضاي اسلامي بينديشد. چاره كار با قرآن انس گرفتن است ، نهج البلاغه تالي قران است وبعد انس با صحيفه سجاديه .

هنر ايراني از اول تا آخر اسلامي است . نبايد به سمت ارزشهاي بيگانه با اسلام برويم . توقع انقلاب از هنر و هنرمند مبتني بر نگاه زيبا شناختي در زمينه هنر است .

توقع انقلاب از هنر اين است كه از زيبايي دوران دفاع مقدس و انقلاب ، بي تفاوت نگذرد .

هنر انقلابي اين است كه از تاريخ پر رنج و محنت ملت ايران بي تفاوت نگذرد . هنرمند بايد تاريخ را ببيند و درك كند و آن را با زبان هنر تبيين كند . بعد از انقلاب كارهاي هنري با ارزشي انجام شد ولي انتظار هميشه بوده وهست . نمي شود انسان به ارزشها معتقد باشد اما در آثار هنري نسبت به آنها بي تفاوت باشد .

هر فرهنگي كه در قالب هنر ريخته نشود شانس ماندن ، نفوذ و گسترش را ندارد .

براي اينكه سايش پيدا نكنيد از عوامل دروني خودتان شروع كنيد . عواملي كه در جمع شما هست . از جمله كارهايي كه بايد بكنيد يكي اين است كه مخاطب خودتان را خلق كنيد . اگر به فكر اين باشيد كه مخاطب جبهه مقابل را تصرف كنيد ممكن است همين فكر ، شما را وسوسه كند كه به تقليد كار جبهه مقابل بپردازيد . ما بايد مخاطب خودمان را خلق كنيم . يعني هماني كه مطابق فكر و ايمان و عقيده ماست .

چرا بايد به تقليد از روش دشمن ، از وضع اسلامي و الهي خودمان انتقاد كنيم.چرا با نيش زدن ، آب به آسياب دشمن بريزيم .چرا از چهره هاي ضد انقلاب و مخالف نظام تجليل كنيم .

در نگرش به عرصه ی فرهنگی کشور، باید به تربیت نیروی انسانی توجه کنیم. برای یک کشور، نیروی انسانی همه چیز است. ما اگر نیروی انسانی نداشته باشیم، هیچ چیزی نداریم. چند سال قبل از این، روی بعضی از کشورهایی که سال ها پیش از ما انقلاب کردند و توفیق هایی هم در عرصه های اقتصادی و صنعتی و فنی و امثال اینها به دست آوردند، مطالعه ای میکردم. دیدم اینها در اوایل انقلابشان، بیشترین تکیه و برنامه ریزی را روی تربیت نیروی انسانی گذاشته اند.

# فتح الفتوح

تمام پیامبران و عبادالله الصالحین، همّتشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است. اینکه شما دیدید، امام در بیانیه ای فرمودند«فتح الفتوح انقلاب اسلامی، ساختن جوانانی از این قبیل است»، یک حرف نبود که همین طور بر قلم امام جاری شده باشد. این یک مبنای اسلامی و الهی بسیار مستحکم دارد.

واقعاً فتح الفتوح، یعنی ساختن انسان صالح

هدايت يك انسان ، ارزش و قيمت هدايت همه بشريت رادارد .

حكومت اسلامي نمي تواند نسبت به بازار عرضه فرهنگ و عقيده و اخلاق بي تفاوت باشد .

حرف حق را با شيوه هاي نو ، با زبان هاي جديد و با استدلال هاي تازه و آرايش خوب بيان كنيد ، در مفاهيم قرآني حرف جديد بسيار است .

# فریضه ی تشکیلات

ما اعتقادمان این است که بهترین راه و برترین حربه ای که میتواند این راه ها را باز کند و هدایت الهی و هدایت انقلابی را در ذهن ها و جان ها بنشاند و به میوه بیاورد، یک تشکیلات است. ما عقیده داریم که اگر چنان چه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند و اینها متشکّل نباشند، متجمع نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکّل انجام خواهد داد

# اخلاق تشکیلاتی

اخلاق تشکیلاتی، یعنی اخلاق اسلامی؛ اخلاق تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم، یعنی چگونگی برخورد دو برادر، دو همفکر دو هم آهنگ، دو هم جهت اخلاق باعث مي شود كه مجموعه مقررات و تكاليف اسلامي بدون سائيدگي انجام بگيرد .با اخلاق بد در خودمان دائما مبارزه كنيم و اخلاق نيك را بوجود آورده و رشد بدهيم.

# آفات اخلاق تشكيلاتي

# آفت عُجب

یکی از اخلاق مذموم و پلید«عُجب»است. عُجب یعنی چه؟ یعنی خودشگفتی؛ این یک خصوصیت است. یک اخلاق است؛ بنده ده ساعت اینجا کار کنم مستمراً، امّا از خودم ممنون باشم، این را می گویند عُجب. خُب چه عیب دارد ما از خودمان ممنون باشیم، از خودمان راضی باشیم که داریم کار می کنیم؟ این خیلی معلوم است؛ عیبش این است که تا خیلی از خودمان متشکر شدیم، متوقع ایم همه از ما متشکر باشند. ما به این خوبی، به این منظمی، اینجور خوب کار می کنیم، زیاد کار می کنیم، باید همه قدر ما را بدانند دیگر ! همين خودشگفتي يكي از بدترين خصلت هاست و اين را علاج كنيد با مقايسه خودتان با كساني كه بهتر و بيشتر و مؤثرتر از شماكار مي كنند . علاج كنيد با بزرگ كردن عيوب كارتان در ذهن خودتان و به كيفيتي اين حالت را در خودتان بشكنيد .

# آفت كبر

آفت ديگر كبر است : يعني خود را بزرگ ديدن كه خدا تكبر و خودبزرگ بيني را در چشم پيامبران زشت كرده است .

# آفت دل خو ش كردن

آفت ديگر آفت دل خو ش كردن است . يعني فكر كنيم كه حالا ما مشغول كاريم ، ديگر بيشتر از اين چه كار كنيم . اين يك آفت بزرگ است و بايستي طرز فكر مماس تر ، علمي تر ، قابل تطبيق تر ، و بيشتر متناسب با نيازها باشد .

# آفت عجله

عجله در کارها همیشه کار را خراب میکند، احساس اینکه دیر شده و شتاب و سرعت باید داشت دست و پاگیر است. یک لحظه تأنی تحقیقاً روا نیست. امّا یک قدم با عجله هم یقیناً موجب سرنگون شدن و ناکام شدن است. عجله نباید کرد. وضع خودمان را با آن وضع ایدئولوژی رقیب مقایسه نکنیم.

# اتقان درکار

اگر کار را تمام کردید؛ کار را کرده اید و الا اگر نهصد و نود و نه جزء کار را تمام کردید، امّا همان یک جزء آخرش را نکردید، کار انجام نشده است. اتقان یعنی این. یعنی نگذارید در هیچ گوشه ی کار اشکال بوجود آید. هرچه میتوانید کار را محکم انجام دهید؛ چون استحکام ضرری ندارد. اگر قدری هم تأخیر خواهد افتاد، بیافتد، اشکالی ندارد و عجله ای نیست. استحکام، یک مقدار خرج بیشتری خواهد داشت؛ داشته باشد

# طلبگی کار کنیم

من هم به وجود تنگناها واقفم و نمیگویم نیست؛ وقتی که انسان میبیند که مشکل زیاد است، باید تلاشش را زیاد کند. وقتی میرسیم به جایی که سخت است و نمیشود آنجا را کَند، باید ضربه را قویتر وارد کنیم و قوت را بیشتر کنیم تا خداوند هم کمک کند. باید طلبگی کار کنیم؛ باید فقیرانه کار کنیم. نه این که پول نخواهید، نه اینکه امکانات نخواهید، نه اینکه دنبالش نروید، چرا ،بروید، امّا اگر نشد؛ ره چنان رو که رهروان رفتند. یعنی با همان کمبود و فقر .

# غصه و درد کجاست؟!

شما حرکت را علی باب الله و متوکلا علی الله و قاصد لوجه الکریم ادامه دهید؛ تا ان شاء الله خدای متعال از شما قبول کند؛ که اگر قبول کرد، از همه ی این ها عظمتش بیشتر است؛ غصه و درد آنجاست که تلاشی بکنی، امّا خدا آن را قبول نکند؛ به خاطر اینکه اخلاص ما در آن کم است. مخلصاً، موقناً و متوکلاً علی الله راه بیافتید، خدای متعال ان شاء الله کمک خواهد کرد. هم کمک مادی و هم کمک غیر مادی.

حركت شما بايد براي قبول و رضاي خدا باشد .عقايد ما بايد قرص و محكم باشد و آن را با زبان مناسب بيان كنيم . نوشته هاي برآمده از اخلاص ، انسان را تكان مي دهد . براي جاري كردن روحيه اخلاص از دوران هشت سال جنگ بايد استفاده كرد .

خط انقلاب را بدون هيچگونه ساييدگي در اهداف ، با قاطعيت و قوت به سمت اهداف انقلاب ادامه دهيم

بايد خودمان را براي خدمت در هرجا و به هر گونه آماده كنيم .

# من صندلی خاصی ندارم

من با این روحیه وارد شدم و بارها به دوستانم میگفتم که آن کسی نیستم که اگر وارد اتاقی شدم، بگویم:«آن صندلی متعلق به من است و اگر خالی بود بروم آنجا بنشینم، و اگر خالی نبود، قهر کنم و بیرون بروم .» گفتن این مطالب شاید چندان آسان نباشد و ممکن است حمل بر چیزهای دیگر شود، امّا واقعاً اعتقادم این است که برای انقلاب باید اینطوری باشیم. از پیش معین نکنیم که صندلی ما آنجاست و اگر دیدیم آن صندلی را به ما دادند خوشحال بشویم و برویم و بنشینیم و بگوئیم حق ما بود و اگر دیدیم آن صندلی نشد و یا گوشه اش ذره ای ساییده بود بگوئیم به ما ظلم شد و قبول نداریم و قهر کنیم و بیرون برویم من از اول این روحیه را نداشتم و سعی نکردم اینطوری باشم. در مجموعه ی انقلاب تکلیف ما این است.

در جمهوري اسلامي هر جا كه قرار گرفته ايد ، همان جا را مركز دنيا بدانيد .

# مثل نردبان

برای همیشه خودتان را آماده نگه دارید تا انقلاب به هر طریق که اقتضاء میکند، از شما استفاده کند. این یادگاری را با هم داشته باشیم. یک وقت، بهترین استفاده از یک انسان زنده و عاقل و با شعور این است که مثل نردبان بشود و یک نفر پایش را روی دوش او بگذارد تا دستش به جایی برسد که کاری انجام بدهدو چه اشکالی دارد؟ اگر مصلحت انقلاب و کشور اقتضاء میکند باید چنین کاری هم کرد.

من مطمئنم كه جريان فرهنگي كشور با همه اين ناسازگاري هايي كه مي شود ، از لابه لاي اين پيچ و خمهاي سخت عبور و رشد مي كند .

# انك كادح الي ربك كدحا

اي انسان يقينا تو با كوشش و تلاشي سخت به سوي پروردگارت در حركتي پس او را ديدار كن .

تفكرات و ذهن ها و مغزهاي فعال و مبتكر و خوبي كاملا مشاهده مي شوند و اينها پيش خواهند رفت . دشمن انقلاب و دشمن اسلام نمي تواند از طريق فرهنگ ، كاري را كه ميخواهد بكند .

البته مشكلات فراواني درست كرده اند و درست خواهند كرد ، شكي نيست ، اما ان شاء الله ايمان ها و همت هاي شما نخواهد گذاشت آنطور كه آنها مي خواهند ، پيش آيد .

بايد به تكامل بشري و انساني برسيم و مي توان با كار هنري به جايي رسيد كه با افلاكيان در مجاهدت بود . شما خدا را نصرت كنيد ، خدا هم شما را نصرت مي كند

هرچه بار سنگینتر و هرچه غم و غصه و دغدغه ی کار بیشتر، ارزش معنوی کار بالاتر و شاید تأثیر آن در روند عمومی تاریخ و تمدن معرفت بشری ،خصوصیاتی که در تقدیر صحیح عقلانی مورد احترام قرار می گیرد ،والاتر و بالاتر . از تهمت ها و اهانت ها نترسيد .

# بار خدا بر زمین نمی ماند ...

البته این نکته را هم به شما بگویم که اگر خدایی ناکرده همگیتان یک وقت بگوئید:«ما میخواهیم این کار و فعالیت و حضور را ببوسیم و کنار برویم.» عقیده ندارم که این میدان خالی خواهد ماند؛ نه. عقیده ی من این است که بار خدا، زمین نمیماند .

بزرگترين افتخار اين است كه خدا ما را بنده خودش بداند و از ما بخواهد كه اين بار را برداريم ....